

مسائل نوپیدای فقهی

و نوسازی فتوا

گزارش کنفرانس فقهی از کشور عمان

در گفت‌وگو با احمد مبلغی*

در ۱۳ فروردین ۱۳۸۶ در کشور عمان، کنفرانسی فقهی با عنوان «فقه النوازل و تجدید الفتوی» به مدت سه روز، با حضور عالمان، صاحب‌نظران و اندیشمندان عرصه فقه و اصول از کشورهای گوناگون اسلامی برگزار شد. جناب حجت‌الاسلام و المسلمین احمد مبلغی نیز به این نشست علمی دعوت شده بود. با ایشان گفت‌وویی در باره این کنفرانس و مباحث مطرح شده و موضوعات پیرامونی آن به انجام رسانده‌ایم که از نظر می‌گذرد.

○ فقه: جناب آقای مبلغی! باخبر شدیم که جناب عالی در کنفرانس «فقه النوازل و تجدید الفتوی» حضور داشته‌اید؛ به عنوان سؤال نخست، بفرمایید که این کنفرانس با چه هدفی برگزار شد؟

● همه گرایش‌های فکری و فقهی جهان اسلام به این نتیجه رسیده‌اند که مسائل نوظهور از آن جا که رو به تزاید و تراکم نهاده‌اند، همراه شدن فتواها با شرایط

* مسئول پژوهشکده فقه و حقوق و عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

معاصر و توانمند گشتن آنها جهت پاسخ گویی به مسائل جدید، یک ضرورت اجتناب ناپذیر شده است.

این وضعیت اندیشمندان و یا مجموعه هایی را در جهان اسلام بر آن داشته تا در سال های اخیر کنفرانس هایی درباره فتوا، شرایط، محتوا و ضوابط آن برگزار کنند و به ویژه بر اعتدال به عنوان معیار و شرطی اساسی جهت درستی یک فتوا تأکید بورزند. نشست علمی برگزار شده در عمان از چنین خاستگاهی برخوردار بود. در نشست، چنین استدلال می شد که صدور فتوای متناقض و متعارض در کشورهای مختلف اسلامی بازتاب های منفی و پیامدهای نادرست بر جای نهاده، و وحدت رویه در موضوعات اساسی و سرنوشت ساز جامعه اسلامی را برهم زده است.

انگشت اشاره شرکت کنندگان نشست به ویژه به سوی فتوای سیاسی دراز بود و چالش های ناشی از فتوای صادره در زمینه های سیاسی را بسیار جدی و بحران زا ارزیابی می کردند و تکفیر و رویارویی مسلمانان را از جمله این نتایج به شمار می آوردند.

مباحث نشست، بیشتر بر عنوان نوسازی فتوا متمرکز بود و این رویکرد را دنبال می کرد که به منظور دور ماندن جامعه اسلامی و منافع سیاسی - اقتصادی امت اسلامی از آسیب های کلان لازم است فتواها با وضعیت های جدید تطابق یابند و در چارچوب این منطق، کاستی ها و نارسایی های آنها بازشناسی و مرتفع شود.

○ **فقه: اندیشمندان چه کشورهایی و چه کسانی شرکت کرده بودند؟**

● در این نشست ۲۱ کشور از جمله مصر، تونس، مغرب، یمن، قطر و لیبی شرکت کرده بودند. از ایران نیز بنده شرکت داشتم. از کسانی دعوت به عمل آمده بود که تجارب پیشینی آنان با نگاه های نو به مقوله اجتهاد و فتوا در هم آمیخته است. در برخورد با شرکت کنندگان دریافتم که هر اندیشمند فرایند نوسازی فتوا را از زاویه ای خاص و در چارچوب تجربه ای ویژه پی می جوید.

○ فقه: محورهای عمده ای که مقاله پژوهشی حضرت عالی در آن کنفرانس مجال طرح یافت، چه بود؟

● شرکت کنندگان برای بیان نارسایی ها و کاستی ها و یا ارائه راه حل ها، تقسیم بندی هایی متناسب با تجربه خود ذکر می کردند.

بنده در این چارچوب تقسیم رایج در حوزه های علمیه را ذکر کردم؛ تقسیمی که بر پایه آن، اجتهاد برخوردار از سه مرحله معرفی می شود: مرحله پیشینی که همان علوم مقدماتی است؛ مثل اصول، رجال درایه و علوم دیگر و مرحله اصلی که خود کار استنباط و به تعبیری عملیه الاستنباط است، و مرحله پسینی که مرحله فتواست. در چارچوب این تقسیم به شناسایی، تحلیل و دسته بندی عوامل ضعف در هر یک این سه مرحله - به ویژه استنباط و فتوا - پرداختم و کاستی های منتهی به ضعف فتوا و عدم پاسخ گویی آن را در مرحله استنباط، به دو دسته تقسیم کردم: یکی نارسایی های متوجه به ادله و دوم نارسایی هایی متوجه به قواعد استنباط.

مقصود از کاستی در قبال ادله به این معنا است که ما هنوز بسیاری از ادله را نشناخته ایم و به دلیل این عدم شناخت، کار استنباط از ظرفیت های مهمی محروم گشته و به اندازه این محرومیت فتوا هم آسیب دیده و نتوانسته است از ظرفیت و پاسخ گویی کافی برخوردار باشد. در این زمینه مثال هایی ارائه دادم. نارسایی در قبال قواعد را به دو دسته تقسیم کردم: یکی عدم تطبیق بسیاری از قواعد و تعطیل استفاده از آنها و دومی غیر فنی و غیر دقیق بودن تطبیق مجموعه دیگری از قواعد. اضافه کردم غیر فنی بودن تطبیق دو مشکل را فراروی استنباط می نهد: یکی نهادن بار استنتاج نص بر دوش قاعده بیش از حد توانایی و ظرفیت آن قاعده، و دومی همراه نبودن تطبیق قاعده با نگاه به شرایط و واقعیت های زمان صدور روایت. این دو مشکل به خروج از جاده اصلی فهم استنباط منتهی می شوند.

کاستی های مربوط به مرحله فتوا را نیز به دو دسته کاستی های نهفته در ادبیات



فتوا و کاستی‌های نهفته در ادبیات پیرامون فتوا و یا دفاع از آن معرفی کردم.

○ فقه: بازتاب سخنان شما در بین شرکت‌کنندگان چگونه بود؟

● تقسیم‌بندی یاد شده و تحلیل شکل گرفته بر اساس آن، مورد توجه و بحث و بررسی قرار گرفت و تقریباً همه آنچه ارائه شد، در متن بیانیه پایانی نشست هم‌جزء محورهای اصلی گنجانده شد. نکته جالب این که پس از ارائه مقاله، حاضران و شرکت‌کنندگان اظهار می‌داشتند که این بحث، جدید و راه‌گشاست و حتی پاره‌ای علاقه‌مند به پی‌جویی این موضوع و دریافت اطلاعات بیشتر و خواستار کتاب‌هایی در این زمینه شدند.

در بحثی که به مناسبت نوسازی فتوا ارائه کردم به دو مقوله جدید - که در فقه و اصول اهل سنت مطرح نیستند و در شیعه نیز کمابیش و تا حدودی مطرح هستند - اشاره کردم و مورد توجه جدی قرار گرفت. یکی از این دو مقوله بهره‌گیری از ارتکاز و نقش آن در استنباط است. این مقوله را با ذکر شقوقی بر آن، توضیح دادم که مورد توجه برخی از شخصیت‌های علمی اهل سنت قرار گرفت. بحث ارتکاز از ظرفیت‌هایی است که معطل و بدون بهره‌برداری مانده است؛ در حالی که نقش قرینه بودن و یا حتی دلیل بودن ارتکازات غیر قابل انکار است. گاه خود حکم در آینه ارتکاز منعکس شده است و گاه به ضمیمه آن می‌شود به حکم دست یافت. همچنین توضیح دادم که گاه ارتکاز و تلقی در زمان صدور روایت شکل گرفته است. ما که می‌خواهیم به هر وسیله و با تکیه بر هر قرینه دریابیم در صدر اسلام چه می‌گذشته و مقصود از این روایت و یا آن روایات چه بوده است، از این ظرفیت و ذخیره عظیم باید استفاده بکنیم. این بحث هم برای آنها نو بود و تازگی داشت.

مقوله دوم که اهل سنت به آن نپرداخته‌اند و در شیعه هم اخیراً به آن عطف توجه شده، مبحث رابطه بین اعتقادات کلامی و فقه است. بحث مستوفایی را ارائه دادم و این مبحث را در زمره ادله ناشناخته و یا کمتر شناخته شده و به

تعبیر دیگر فعال نشده‌ای آوردم که عدم شناخت و فعال نکردن آن، به استنباط و فتوا ضربه می‌زند. البته اشکالات و انتقاداتی را آنها مطرح کردند؛ منتها با توضیحاتی که دادم تا حدی قانع شدند.

و نیز اصطلاحات مطرح در اصول شیعه را که در سخنانم به کار می‌بردم، مورد توجه برخی اندیشمندان قرار گرفت؛ به طوری که عده‌ای می‌گفتند این مصطلحات می‌تواند موضوع نشست‌های آینده قرار گیرد.

○ فقه: اندیشمندان حاضر در این نشست، به چه نحو طرح بحث می‌نمودند؟

● در این نشست تقسیمی را یکی از علمای مصری ارائه داد که به موجب آن فقه به دو قسم تقسیم می‌شود: فقه شریعت و فقه واقعیت.

منظور از ارائه این تقسیم این بود که ما نباید صرفاً فقه در دین را دنبال کنیم تا در نتیجه از واقعیت‌های در حال نو شدن و شکل‌گیری بی‌اطلاع بمانیم. فقه واقعیت نیز لازم است؛ یعنی این که باید با توجه به دانش‌های گوناگون مانند اقتصاد، جامعه‌شناسی و سیاست، واقعیت‌های بیرونی را مورد تحلیل و شناسایی قرار دهیم تا در نتیجه بتوانیم دلیل را به صورتی مناسب بر واقعیات تطبیق دهیم. این نکته نشان می‌داد که آنها می‌خواهند با نگاه به واقعیت، استنباط کنند. روش متداول در شیعه جدا کردن شناخت موضوع است و سپس به دنبال حکم و منابع آن می‌روند.

در این نشست یکی از اندیشمندان اهل سنت، تحلیلی از چگونگی شکل‌گیری فتوای سیاسی در جهان اهل سنت ارائه کرد. از دیدگاه او تحولات و شرایط سیاسی - که همه جهان و به ویژه جهان اسلام را فرا گرفته - بحث از منافع و مجال عمومی را موجب گشته و طرح شدن این مبحث، تحول و توسعه‌یابی اجتهاد را هم از حیث کمی و هم از حیث کیفی و روشی در پی داشته است. این توسعه، خاستگاه شکل‌گیری فتوای سیاسی شده و از آن جا که سیاست حساس است، فتوای سیاسی به دلیل برخورداری از تناقض، مجموعه‌هایی



را در برابر هم در عرصه سیاست قرار داده است. تحلیل این اندیشمند این بود که امروزه مکاتب و شیوه‌های اجتهاد با بحران مواجه شده‌اند.

○ فقه: آیا راه حلی هم برای این مشکل ارائه شد؟

● راه حلی که این اندیشمند ارائه کرد، این بود که باید میان جامع بودن اسلام و جامع بودن فقیه تفکیک کنیم. اولی را باید پذیرفت و دومی را نه؛ یعنی نگوییم فقیه جامع است. در واقع نباید جامعیت اسلام را به جامعیت فقیه سرایت دهیم. ایشان پیشنهاد می‌کرد که فقیه باید با واقعیت‌ها مرتبط باشد و رایزنی و مشورت کند.

همچنین این اندیشمند، میان کتاب‌های متضمن سیاست بر اساس مفهوم شرعی و کتاب‌هایی که متضمن سیاست سلطانی است، تفکیک قائل شد. توضیح آن که اهل سنت بحثی دارند در احکام سلطانی که بیشتر به وظایف لشکر و تدبیر سیاسی و وظایفی - که بر دوش رعیت است - می‌پردازد؛ در حالی که کتاب‌های اصیل مربوط به حوزه سیاست‌های شرعی، به حسب تعبیر این اندیشمند، هم حقوق و هم حدود مربوط به حاکم و غیرحاکم را در بر می‌گیرد.

○ فقه: بیانیه پایانی نشست متضمن چه نکاتی بود؟

● این نکات به طور خلاصه عبارت بود از:

- عمق بخشی به استدلال‌های فقهی؛

- تأکید بر اجتناب از سراسیمگی و شتاب‌زدگی در استنباط؛

- شناخت کاستی‌های مراحل مختلف استنباط و بهره‌گیری از ادله و قواعد

پر ظرفیت و دقت در تطبیق قواعد؛

- بهره‌گیری از ظرفیت‌های دلالتی مختلف روایات و آیات، مانند سیاق،

کنایه، مجاز و وجوه دیگر؛

- معیار قرار دادن اعتدال در فتوا؛

- عدم تصدی منصب مهم فتوا توسط هر کس؛

- پرهیز از راه یافتن تناقض در فتوا؛

و موضوعات دیگر.

○ فقه: حضرت عالی به عنوان عالم شیعی در این نشست علمی حضور داشتید،

فضای کنفرانس را در قبال شیعه و فقه شیعه چگونه دیدید؟

● در کنفرانس نمایندگان از مذاهب مختلف اسلامی حضور داشتند؛ مذهب مالکی، زیدیه، حنفیه و مذاهب دیگر که هر کدام تلاش می کردند دیدگاه مذهبی خود را برجسته کنند. بنده هم با تکیه بر اصول غنی شیعه مطالبی را ارائه کردم. فضای نشست نشان می داد که آنان اعتبار ویژه ای برای دیدگاه های شیعه قائل اند.

در جلسه افتتاحیه سه تن سخنرانی کردند که یکی از آنان بنده بودم. دو نفر دیگر رئیس شورای افتاء الازهر و مفتی خود عمان بود.

در حاشیه کنفرانس هم با علما به ویژه علمای مصری گفتگو کردم. بحث اصول و غنی سازی آن برای پاسخ گویی، بحث رایجی در جهان اسلام به ویژه در میان مصری هاست. دکتر محمد کمال الدین عالم اصولی معروفی است که در جلسه حضور داشت و بسیار شایق بود تا در حاشیه جلسه و یا هر فرصت دیگری درباره مسائل اصولی بحث کند و ایشان شیفته اصطلاحات و بحث های فنی اصولی ما بود؛ حتی بسیاری از آنها تقاضای کتاب های اصولی و دیدگاه های اصولی شیعه را می کردند که کتاب هایی را در اختیار برخی از آنها قرار دادم. این نشان می دهد که عامل اساسی برای ایجاد انسجام میان مسلمین، گفتگوهای علمی است که ما از این ظرفیت استفاده نکرده ایم. حوزه های علمیه ما گفتگوی علمی با اهل سنت را جدی نگرفته است و اگر هم اندکی به آن توجه شده، بیشتر ابعاد سیاسی داشته تا علمی.

در مباحث علمی حوزه علمیه باید پیش قدم بشود و البته با رعایت تمام

شرایط گفتگو. گفتگو فرهنگ خاصی دارد که عدم رعایت آن، گفتگو را در همان مرحله اول به محاق می برد. امام صادق (ع) وقتی گفتگو می کرد، به طرف گفتگو اعتبار می بخشید. تحمیل و عصبانیت هنگام بحث با یک زندیق نباید باشد، تا چه رسد به این که مسلمان با مسلمان دیگر بحث کند. نسل جدید جهان اهل سنت، نسل گفتگوست. در گفتگو باید به نکات مثبت طرف مقابل توجه کنیم و نکات قوی که فقه و اصول شیعه از آن برخوردار است، ارائه شود. مکتب اهل بیت بسیار غنی است، اما سخنان ما در خود حوزه تکرار می شود و هیچ گاه از چهارچوب های حوزه بیرون نمی رود و عرضه نمی شود. در این راه، تنها عرضه و نگارش کتاب کافی نیست؛ زیرا این کتاب ها یا خوانده نمی شوند یا فهمیده نمی شوند؛ چون اصول ما ادبیات ویژه ای دارد که اصلاً برای آنها قابل فهم نیست. به آنان گوشزد کردم که دانش اصول کنونی شیعه، حاصل تحول چند قرن است و دیگر نباید برای آگاهی از اصول شیعه، به کتاب معارج علامه حلی یا عده الاصول شیخ طوسی مراجعه کرد.

○ فقه: چه پیشنهادی را برای تعامل فکری و علمی بیشتر با جهان اسلام ارائه می کنید؟
● مشکل اساسی حوزه علمیه که هنوز حل نشده، عدم تسلط بر مکالمه به زبان عربی است. در آغاز تحصیل کوشش هایی برای فراگیری این زبان انجام می گیرد، ولی این تلاش ها در حاشیه است نه در متن، و بدین جهت یا به ثمر نمی رسد یا پس از مدتی فراموش می شود. اگر حوزه نتواند برای این امر برنامه ریزی بکند، شرط لازم را ایجاد نکرده است و هر کار دیگری که بدون آن انجام دهد، کارایی نخواهد داشت.

دومین پیشنهاد آن است که اصولاً باید گروهی برای گفتگو و حضور در این کنفرانس ها و نشست ها تربیت شوند که در فعالیت های علمی خود اصلاً چنین چیزی نداریم.

سوم این که یک درس تخصصی برای گفتگو لازم است؛ سعی ما همیشه

برای مناظره بوده. در مناظره هدف غلبه بر طرف مقابل است، بر خلاف گفتگو که هر دو طرف می‌خواهند چیزی را بیاموزند. پس در گفتگو تحمیل نیست؛ چون در این صورت نتیجه عکس خواهد داشت. ما باید باب استماع را باز کنیم. استعمال غیر از سمع است. استماع شنیدن با تأمل و درنگ است که با گفتگو امکان‌پذیر است. باب استماع و گفتگو باب برکت و رحمت می‌تواند باشد. باید این باب را باز و ارتباط را برقرار بکنیم. این هم به نفع تشیع و هم به سود اهل تسنن است و در نهایت، به نفع جهان اسلام است.

○ فقه: چه شخصیت‌هایی در این کنفرانس شرکت کرده بودند؟

● شخصیت‌های مختلفی حضور داشتند؛ مانند دکتر عبدالحمید اطرش که رئیس کمیته فتوای الازهر است، دکتر عبدالستار ابوغده - که شخصیت معروف جهان اهل سنت و عضو مجمع فقه اسلامی است و بحث‌های او از عمق و غنای خاصی برخوردار است - دکتر کمال، رضوان سید، رئیس پایگاه اینترنتی معروف اسلام آن لاین - که بودجه این پایگاه از سوی قطر تأمین می‌شود، اما نیروهای انسانی آن در مصر فعالیت می‌کنند - و نیز تعدادی از استادان دانشگاه‌های تونس و....

نکته جالب در این کنفرانس آن بود که بیشتر مدعوین شخصیت‌هایی نواندیش بودند که دیدگاه و سخن نو داشتند.

○ فقه: این گونه کنفرانس‌ها با چه هدفی تشکیل می‌شوند؟ و چرا این نشست در

عمان برگزار شد؟

● در چند سال اخیر کنفرانس‌ها و نشست‌های متعددی در جهان اسلام شکل گرفته که اینها دغدغه مشترکی به نام گفتگوی بین مذاهب یا تقریب و اتحاد بین مذاهب دارند. البته این کنفرانس‌ها مقداری بُعد امنیتی هم پیدا کرده‌اند؛ چون آنچه در عراق اتفاق افتاده، ممکن است در هر کشور دیگری که شیعه و سنی

دارد، روی دهد. بنابراین برای دولتمردان هم بحث تقریب مذاهب به دغدغه تبدیل شده است.

اندیشمندان جهان اسلام هم فارغ از این مسائل، به مسئله تقریب و گفتگو و وحدت جهان اسلام نیازمندند؛ زیرا در عصر کنونی که در عصر جهانی شدن است، خطرات بزرگی هویت فکر دینی را تهدید می‌کند. این دغدغه‌ها باعث شده تا این گونه نشست‌های علمی بروز و ظهور یابد.

یکی از این نشست‌های علمی که سال گذشته برگزار شد، کنفرانس مجمع فقهی اسلامی بود و تکفیر را محکوم کرد و برای اولین بار مذهب تشیع را به رسمیت شناخت.

اما کشور عمان موقعیت خاصی دارد؛ چون مذاهب گوناگون در این کشور زندگی می‌کنند؛ البته دولتمردان آن جا دارای مذهب اباضی هستند و علت این که این کشور نشست‌هایی از این دست برگزار می‌کند، این است که موقعیت‌های داخلی عمان و تجارب طولانی در زمینه چگونگی تعامل با مذاهب و انعطاف‌های تاریخی آنان در این خصوص، چنین اقتضایی دارد و آنها را آماده گفتگوی مذاهب کرده است.

○ فقه: با تشکر از قبول زحمت، امیدواریم که در این گونه نشست‌ها امثال جنابعالی حضور فعال داشته باشند؛ تا از این طریق مزایا و ویژگیهای فقه اهل بیت (ع) به جامعه اسلامی بیش از پیش نمایانده شود.